

ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق، عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل

صادق زیبا کلام*

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدرضا عبدالله پور

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

(تاریخ دریافت: ۱۶/۹/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۴/۲/۹۰)

چکیده:

این تحقیق نشان می دهد که چگونه دو انگاره ژئوپلیتیک آسیب پذیر منطقه اقلیم کردستان عراق از سوئی و روی سه گسل تمدنی عرب، فارس و ترک واقع شدن و بی اعتمادی به این سه حوزه باعث نگاه همگرایانه کردهای عراق به اسرائیل به عنوان متحدی استراتژیک می شود. کردستان عراق در حوزه جزر و مد سه حوزه تمدنی ایرانی، عرب و ترک قرار دارد. بعد از اشغال عراق و تحت فشار این ۳ حوزه و عدم اطمینان در قبال سیاست های آمریکا، ناچار متأثر از گونه های تعبد ژئوپلیتیک به سوی اسرائیل کشیده شده است. استدلال این پژوهش آن است که بر خلاف نگاه های رایج که اسرائیل را منتفع اصلی در ارتباط با کردها می داند، کردهای عراق با توجه به مضائق ژئوپلیتیک و استیصال منطقه ای به دنبال همگرایی با اسرائیل هستند.

واژگان کلیدی:

کردستان عراق، گسل ژئوپلیتیک، اسرائیل، کشورهای همسایه کردستان

مقدمه

کردستان عراق به دلیل شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، جغرافیای آسیب پذیر، عدم ثبات سیاسی و همسایگی آن با کشورهایی که اقلیت‌های کرد را در خود جای داده و روابطی نه چندان دوستانه با آنها در قرن بیستم داشته اند به حوزه ای استراتژیک برای کشورهای همسایه و سایر دول متفجع از رصد مسائل فوق تبدیل شده است. با توجه به مولفه‌های مزبور، کردستان عراق توجه قدرت‌های منطقه‌ای را به خود جلب کرده است. کردستان عراق از برندگان اصلی تحولات عراق و به لحاظ توسعه نظام حکومتی، اداری و نظامی از بقیه عراق جلوتر است. احزاب سیاسی کردستان و نیروهای نظامی آن نه تنها کردستان را اداره می‌کنند و مشکلات اولیه دولت - ملت سازی را حل کرده اند بلکه در حیات سیاسی و امنیتی کل عراق حضور و نفوذ تعیین کننده دارند. کردستان عراق علی رغم، پیوستگی‌های زبانی، نژادی و فرهنگی با ایران، عراق و ترکیه در صورت اهمال امکان دارد با چرخشی در سیاست‌های خود به دامن کشورهای دیگر افتاده و ضرری جبران ناپذیر را متوجه کشورهای یاد شده کند. کردستان عراق در حوزه کشش و رانش ۳ حوزه فرهنگی و تمدنی، فارس، عرب و ترک قرار دارد. بعد از اشغال عراق و تحت فشار این ۳ حوزه و عدم اطمینان در قبال سیاست‌های آمریکا، ناچار متأثر از گونه ای تعبد ژئوپلیتیک به سوی اسرائیل کشیده شده است. از سویی کردهای عراق که پس از جنگ ۱۹۹۱، زمان را برای افکار خود مناسب می دیدند، خواهان گسترش تعاملات دیپلماتیک برای خروج از انزوای ژئوپلیتیک بودند. اسرائیل به عنوان متحد استراتژیک آمریکا در منطقه می توانست هم پیمانی استراتژیک برای کردها باشد؛ لذا برای نخستین بار کردها با کارت سایر کشورها بازی کرده و پای اسرائیل را به معادلات پیچیده شمال عراق باز کردند. از سویی بنا بر غنای دیپلماتیک که سران و مردم کرد در پی سال‌ها مبارزه کسب کرده بودند و با توجه به ژئوپلیتیک شکننده و استقرار روی گسل تمدنی عرب، ترک، فارس که روی آن قرار گرفته بودند حضور اسرائیل را در راستای ارتقاء اقتصادی و فنی خود دانسته و ضمن اینکه حساسیت کشورهای همسایه را بر نیانگیزند، نزدیکی به اسرائیل را دنبال می‌کنند. مقاله حاضر به دنبال این پرسش است که آیا ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق بر گرایش کردها با همگرایی با اسرائیل موثر است؟

ژئوپلیتیک و گسل‌های جغرافیائی کردستان عراق

ژئوپلیتیک را هنر ایجاد موازنه‌ی قدرت با رقبا در سطوح منطقه ای و جهانی در راستای تامین امنیت؛ حفظ و گسترش منافع ملی تعریف کرده اند (مجتهد زاده، ۱۳۷۹، ۲۳). حوزه مفهومی ژئوپلیتیک ناظر بر مناسبات قدرت برگرفته از امکانات محیط جغرافیائی واحدهای سیاسی در

گستره منطقه ای و بین‌المللی است. گاه سیاست ملی و فراملی نظام های سیاسی، متاثر از تکثر ملی و موقعیت ژئوپلیتیک آنان است. بر این پایه، هنر رهبران سیاسی، تنظیم مناسبات ملی و فرا ملی بر بنیاد منافع و امنیت ملی بر پایه فرصت ها و محدودیت های محیطی است (کاویانی، ۸۷، ۸۶). کردستان عراق، منطقه ای کوهستانی با مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع نزدیک به ۶ میلیون نفر از جمعیت این کشور را در خود جای داده است و شامل استان های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا است که در کل حدود ۲۰ درصد وسعت عراق را شامل می شود. با نگاهی به نقشه کردستان، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کردستان مشخص می شود. علاوه بر آن در برگیرنده ذخائر و مناطق نفت خیز و آبی و یا مشرف بر آن دو است (حافظ نیا، ۸۱). کردستان به فضای جغرافیائی مرتفع در خاورمیانه گفته می شود که از نظر اکولوژیک زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می دهد. این منطقه مرتفع بخش هایی از غرب و شمالغرب ایران، شرق و جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را در بر می گیرد. سرزمین مرتفع کردها باعث شهرت آنها به عنوان مردمان کوهستان در نظر اقوام پیرامونی شده است. یعنی ترکها، ایرانی ها و عرب ها، کردها را با کوهستان مترادف می دانند و گاهی بر این اساس نگرش منفی نسبت به کردها پیدا می کنند (Ciment, James, 1996).

از طرفی کردستان بین پنج دولت خاور میانه ای یعنی ایران، ترکیه، سوریه، عراق و ارمنستان و بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی بین چهار فلات یعنی ایران، عربستان و اناتولی و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه میان قاره ای آسیا، اروپا و افریقا قرار گرفته است (حافظ نیا، ۱۳۸۳).

موقعیت بسته‌ی جغرافیای کردستان، بزرگ‌ترین چالش پایدار ژئوپلیتیک آن است. پیش نیاز هر گونه مبادله با جهان خارج، جلب هم کاری کشورهای پیرامونی به ویژه ایران و ترکیه است. بسیاری از نیازمندی های کردستان عراق هم اکنون از گذرگاه های مرزی این دو کشور بر آورده می شود. بروز هر گونه چالش در مناسبات کردها و آمریکا با این دو دولت نشان داده که آن دو از موقعیت فرا دستی خود جهت تحمیل خواسته‌هایشان تردیدی به خود راه نمی‌دهند. مساله کردستان گرچه سابقه ای دیرینه دارد ولی پس از فرو پاشی نظام دو قطبی و شکست صدام از نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ به صورت پدیده ژئوپلیتیک فعال در منطقه و جهان ظاهر شد و نوعی حکومت خود گردان کرد را در شمال عراق شکل داد (Stansfield, 2003). در کردستان عراق، شرایط بدخیم ژئوپلیتیک، محدودیت‌هایی را در تصمیم‌سازی (Decisionmaking) و تصمیم‌گیری (Decision Taking) بر سیاست‌گذاری‌های

- رهبران آن تحمیل کرده که بر سیاست منطقه ای حکومت حریم کردستان تأثیری به سزا داشته است. اهم این شرایط به شرح ذیل است.
- به رغم دسترسی به منابع آبی فراوان، عملاً، کردستان عراق منطقه محصور در خشکی است.
 - این منطقه بین دو قدرت بزرگ منطقه ای ایران و ترکیه و بر گسل تمدنی پارس - ترک و عرب قرار دارد.
 - استان های نفت خیز کرکوک، موصل و قسمت های اعظم استان دیالی در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد و از نظر ژئوپلتیک این امر ضعف و آسیب پذیری امنیتی تلقی می شود.
 - تقسیم کردستان عراق بر پایه خطوط مذهبی و قومی به طوری که دو گرایش عمده قومی، لهجه ای سوران - بادینی و حضور کردهای فیلی، یزیدی، شبک و حضور ترکمن های شیعه، سنی و اقلیت های آشوری و نسطوری گسل های عمیق ژئو اتنیکال را در منطقه به وجود آورده است.

ریشه های تاریخی ارتباط بین کردها و اسرائیل

نقش عوامل خارجی در طرح و تشویق هویت قومی کرد و تشکیل گروه های سیاسی کرد و کمک به آنها را بدون مطالعه نقش کشورهای دیگر در ایجاد قیام های کرد را نمی توان به خوبی درک کرد (احمدی، ۱۳۷۵، ۷۹-۱۸۰). نفوذ اسرائیل در کردستان عراق به دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی و دوران جنگ های جدایی طلبانه کردها با دولت عراق بر می گردد. این روابط نخست بوسیله کامران بدرخان و افرادی همچون عصمت شریف وانلی آغاز شد (محمود عثمان، ۲۰۰۷). در آن دوران اسرائیل بر آن بود با تقویت کردهای عراق در مبارزات جدایی طلبانه، دولت مرکزی عراق را تضعیف کند. در انقلاب کردی ملقب به شورش ایلول که از سپتامبر ۱۹۶۱ که تا سال ۱۹۷۵ به مدت ۱۴ سال ادامه داشت اسرائیل کمک های زیادی به این انقلاب کرد و بارزانی نیز این رابطه را وسیله ای برای اتصال به آمریکا می دانست (صلاح الخراسان، ۸۱، ۵۲). روابط اسرائیل با کردهای عراق طی سال های ۱۹۶۷-۶۸ بسیار گسترش یافت و هیات های مختلف اسرائیلی از کردستان عراق دیدن کردند. ملا مصطفی بارزانی نیز برای نخستین بار در آوریل ۱۹۶۸ از اسرائیل دیدن کرد (روحی، ۱۳۸۵، ۷۰). در شورش ایلول، موساد بزرگ ترین خدمت را به کردها تقدیم داشت که مشارکت در تاسیس دستگاه اطلاعات کردی (پاراستن) بود که مسعود بارزانی اداره آن را بر عهده داشت (راوه، ۸۱، ۱۵۴). در این دوران، کردها همچون سایر قومیت های

خاورمیانه ای تحت تاثیر اندیشه ناسیونالیسم سرزمینی قرار داشتند. این اندیشه جدید عنصر اساسی محیط گفتمان سیاسی - بین المللی در قرن ۲۱ است (Smith 1989: 20-33)

اهداف رهبران کرد عراقی در نزدیکی به اسرائیل

کردستان عراق به واسطه‌ی ناهمگونی‌های زبانی، مذهبی، تاریخی و فرهنگی با اکثریت عرب عراق همواره یکی از نواحی دچار واگرایی بوده است. دخالت قدرت‌های منطقه ای نیز در امور کردستان و نوع رویکرد حکومت‌های بغداد به این ناحیه که بیش تر با محرومیت و سرکوب همراه بوده است در فزاینده‌ی دامنه‌ی نیروهای واگرا، پیامدهای ژئوپلیتیک عظیم و عمیق به همراه داشته است (کاویانی، ۱۳۸۶). از سویی با توجه به اینکه کردستان سرزمینی محصور میان کشورهای عراق، ترکیه، ایران و سوریه است؛ دستیابی به هویت کردی مستقل بسیار غامض و پیچیده است (dawoody, 2006, 485). اگر واقع بینانه نگریسته شود کردستان در شکل دولت فرضی سرزمین قفل شده (Land lock) در خشکی است که این موقعیت باعث آسیب پذیری و انسداد کردها شده (barkey & laipson, 2005) و بزرگ ترین تنگنای ژئوپلیتیک آن را انزوای جغرافیایی تشکیل می‌دهد که دولت‌های همسایه نسبت به آن مواضع خصمانه خواهند داشت و در یک ائتلاف می‌توانند آن را نابود سازند. این همان واقعیتی است که نخبگان سیاسی کرد بر آن آگاهی (muslimovic, 2003,1) دارند و آن را مانع تحقق دولت مستقل کردستان می‌دانند (روزنامه ایران، ۸۴/۸/۲۱، ۵). کردها امیدوارند با نزدیکی به اسرائیل و جلب حمایت لابی یهودی در آمریکا نظر آمریکا را در حمایت قطعی از استقلال طلبی کردها تغییر دهند. در اینجا باید به نامه ۱۹۷۵/۱/۱۶ ملامصطفی بارزانی اشاره کرد که برای امریکایی‌ها فرستاد و آمادگی خود را برای تحویل کردستان عراق به آمریکا به عنوان ایالت ۵۱ اعلام داشت (صلاح الخراسان، ۱۳۸۳، ۸۱). آمریکا در چند دهه گذشته هیچگاه به صورت جدی در پی تشکیل دولت کردی در خاورمیانه نبوده و دلیل این امر نگرانی از تهدید منافع حیاتی آمریکا در منطقه به واسطه تشکیل دولت کردی مستقل است. اما نزدیکی کردها به اسرائیل می‌تواند در بلندمدت باعث جلب حمایت آمریکا از تشکیل دولت کردی در منطقه و حداقل در شرایط مناسب شود.

از سوئی کسب استقلال سیاسی در آینده یکی از امال کردهای عراق بعد از ۱۹۲۰ بوده است. کردهای عراق در مقاطع زمانی مختلف بخصوص بعد از جنگ جهانی در مبارزه با حکومت مرکزی برای کسب استقلال و در نهایت تشکیل یک دولت مستقل کردی بوده اند. سیستم کردستان عراق از قرن ۱۹ و ۲۰ تاکنون خود را در انزوای ژئوپلیتیک احساس کرده به طوری که تصور می‌کند دائماً در معرض تهدید سیستم‌های همسایه قرار دارد. از این رو، رفتار

طبیعی جنبش‌های سیاسی و ناسیونالیستی کرد در سیستم کردستان، تکیه کردن بر سیستم‌های فرامنطقه‌ای بوده است؛ به عبارتی انزوای ژئوپلیتیک و تهدید از سوی همسایگانش، ناسیونالیسم کرد را از بازیگران منطقه‌ای و همسایه ناامید کرده و آنها را به سوی یافتن تکیه‌گاه استراتژیک در خارج از منطقه هدایت کرده است (حافظ‌نیا، ۸۵، ۳۱). در منطقه خاورمیانه اسرائیل تنها حامی تشکیل یک دولت مستقل کردی است تا بتواند از این طریق فشار بر اسرائیل را کاهش دهد. اسرائیل عراق ضعیف و تجزیه شده را ترجیح می‌دهد. با توجه به اینکه یکی از اصیل‌ترین آرمان‌های کردها، تحقق کردستان بزرگ بوده و اسرائیل نیز آشکارا از این موضوع حمایت می‌کند، رهبران کرد ایجاد روابط نزدیک با اسرائیل را گامی بزرگ در راستای تحقق این هدف می‌دانند. در این خصوص مسعود بارزانی اعلام کرد: "اگر مذاکرات با اسرائیل برای عرب‌ها حرام محسوب می‌شود اما این حرام بر کردها جاری نمی‌شود؛ زیرا کردها عرب نیستند" (محمود، ۱۳۷۹). همچنین بارزانی گفت اگر سفارت اسرائیل در بغداد افتتاح شود، کنسولگری آن نیز در اربیل، پایتخت منطقه خودمختار کردستان عراق گشوده خواهد شد. طالبانی نیز رسماً از سرمایه‌گذاران اسرائیلی برای سرمایه‌گذاری در کردستان عراق دعوت به عمل آورد (فوزی حمود، ۸۶، ۱۶). از طرف دیگر نزدیکی و همگرایی با اسرائیل در راستای مقابله با ترکیه، ایران و سوریه است. از آنجا که کشورهای یاد شده دارای اقلیت کرد هستند، نگران تاثیر پذیری اقلیت کرد کشور خود هستند؛ به ویژه ترکیه بیشترین نگرانی را از این بابت دارد (Olson & khaled, 2005). رهبران کرد به خوبی واقفند حیات و ثبات دولت کردی فرضی در منطقه یا نیازمند جلب رضایت سه کشور فوق یا ایجاد موازنه قوا با آنهاست و قذار گرفتن در کنار بازیگران مختلف از جمله اسرائیل می‌تواند به ایجاد موازنه قوا میان دولت کردی و سه کشور فوق کمک کند. گذشته از این، در حال حاضر این سه کشور تلاش می‌کنند از بروز زمینه‌های تشکیل دولت کردی جلوگیری کنند. بنابراین، در این مرحله نیز کمک اسرائیل می‌تواند برای کردها مفید باشد (church, 2006). در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل باید به مولفه قدرت اقتصادی و فنی اشاره شود؛ چرا که در حال حاضر تجربه مملکت داری در شمال عراق به کردها نشان داده که بدون داشتن اقتصاد قوی تشکیل دولت مستقل کردی در عراق در مرحله اول و در منطقه در مرحله دوم ممکن نیست. به طور مثال در پی اشغال کنسولگری ایران در اربیل، ایران به عنوان اقدامی اعتراضی مرز اصلی خود با کردستان عراق را مسدود کرد. حجم مبادلات ایران با کردستان عراق سالی ۸۰۰ میلیون دلار است که انسداد مرز تأثیرات منفی جدی بر دولت منطقه‌ای کردستان خواهد داشت (لیدیا خلیل، ۲۰۰۷). بنابراین، رهبران کرد عراقی تلاش خود را معطوف به گسترش زیرساخت‌های صنعتی، حمل و نقل و ارتباطات در منطقه کرده‌اند. از سویی بنا بر غنای دیپلماتیک که سران و مردم

کرد در پی سال‌ها مبارزه و پس از سال ۱۹۹۱ کسب کرده اند و با توجه به ژئوپلیتیک شکننده و استقرار روی گسل تمدنی عرب، ترک و فارس، حضور اسرائیل را در راستای ارتقاء اقتصادی و فنی خود می‌دانند. در این راستا و در بازه زمانی ۱۹۹۱-۲۰۰۳ و تشکیل حکومت دو فاکتوی کردهای عراق، رهبران کرد برقراری ارتباط با اسرائیل را فرصتی برای گسترش حاکمیت کردی (حکومت دووژور)، تامین منافع نظامی (آموزش کردهای پیشمرگه در برابر هر گونه حمله احتمالی صدام)، کسب منافع اقتصادی (در برابر تحریم اقتصادی صدام و نیز ارتقای اقتصاد کردستان عراق) و کسب منافع سیاسی (یافتن هم پیمانان و متحدان خارجی در عرصه فعالیت‌های دیپلماتیک و پشتیبانان منطقه ای و بین المللی) قلمداد کردند (عبداله پور، ۸۹، ۳۵). در سطح افکار عمومی، مردم کردستان عراق به علت فقر فزاینده و سطح پائین معیشت و رفاه عمومی، از سیاست‌هایی که تامین کننده و تضمین دهنده منافع اقتصادی و افزایش رفاه عمومی بود، حمایت می‌کردند. همین مساله یعنی فقر اقتصادی حاکم در کردستان عراق بستری لازم را برای افزایش نفوذ اسرائیل در کردستان عراق با بهره گیری از عامل فقر اقتصادی منطقه از سویی و شکل گیری نگرش مثبت افکار عمومی به اسرائیل و اقدامات آن در کردستان عراق از سوی دیگر فراهم آورد (همان، ۳۶). در این راستا و در کنفرانسی با نام استقلال کردستان که با هدف موانع ایجاد شده در راه استقلال کردها در سال ۲۰۰۵ و با حضور اساتید دانشگاه‌های سلیمانیه و صلاح الدین برگزار شد، موارد ذیل در دستور کار سیاست خارجی حکومت منطقه‌ای کردستان قرار گرفت:

- تقسیم کردستان به چهار قسمت علیه آمال کردها، محیط ژئوپلیتیک تخاصمی را برای کردها ایجاد کرده که دلیل آن مرزهای ژئوپلیتیک فعلی و نقش آن به مثابه مانعی برای استقلال کردستان است؛
 - تسلط دول عرب، ترکیه، ایران و دولت‌های اسلامی در سازمان ملل متحد، مانعی دیگر است که از حمایت بین‌المللی برای صورت‌بندی دولت مستقل کرد جلوگیری می‌کند.
- راه برون رفت و استراتژی پیش رو که انتی تزی در مقابل مضایق ژئوپلیتیک فوق بود، نگاه به متغیر برون، رایزنی با سازمان ملل متحد جهت استقلال کردها از سویی و در جستجوی تاثیر جامعه بین‌الملل برای تضمین حفاظت بین المللی از ظهور دولت کردستان فدرال در منطقه بود (Kurdish independence conference in Kurdistan , January 6 , 2006).

سیاست های ترکیه در قبال کردستان عراق

در تعیین نوع روابط میان حکومت منطقه ای کردستان عراق و ترکیه عوامل مهم ژئوپلیتیک مانند وجود ذخائر نفتی در کردستان، مرز مشترک کردستان عراق با کردهای ترکیه، حضور

اقلیت ترکمن در شمال عراق و سرچشمه گرفتن منابع اصلی تامین کننده آب مورد نیاز عراق نقشی بسزا دارد. ترکیه پس از سال ۹۱ و حاکمیت دو فاکتوی کردهای عراق، همواره با چالش تاسیس خودگردانی در شمال عراق و تاثیر آن بر ترکیه رو برو بوده است (Olson, 1996, 3).

ترکیه طی سالهای اخیر با اتخاذ سیاست ترکی سازی مناطق هم مرز در شمال عراق از طریق حمایت از اقلیت ترکمن تلاش دارد تا از این طریق پنجره‌ای به داخل عراق برای نظارت و تاثیر گذاری بر فرایندهای سیاسی اسن منطقه بگشاید (مقصودی، ۱۳۸۲، ۹۴). ترکیه به شدت نگران آینده عراق و تجزیه این کشور و تشکیل یک حکومت مستقل کرد در جوار مرزهای جنوبی خود است که اکثریت ساکنان آن دارای اشتراکات قومی، نژادی و تاریخی با ساکنان کردستان عراق هستند (Olson, 2004, 115-120). ترکیه در حال حاضر اصلی‌ترین و به تعبیری استراتژیک‌ترین دشمن کردهاست که نه تنها با فدرالیزم کردستان عراق بلکه اساساً با هر گونه بهبود و تغییر وضعیت کردها مخالف است و آن را تهدیدی برای امنیت خود و تحریک کردهای ترکیه برای ایجاد جدایی طلبی می داند و مضاف بر آن در مورد قسمت‌های از خاک کردستان عراق، ادعای ارضی دارد (ویسی، ۸۲). از سویی تأسیس دولت مستقل کرد در شمال عراق را باعث به خطر افتادن وحدت ارضی خود می داند (Stansfield, 2005, 20). جلوگیری از تشکیل یک همسایه مستقل کرد و محافظت از ترکمان‌های عراق از دیگر حساسیت‌های ترک‌ها نسبت به همسایه مستقل کرد در جنوب مرزهای خود است (Gunter & Yavuz, 2005, 122). گمرک ابراهیم خلیل در شمال کردستان عراق، شاه‌رگ اقتصادی منطقه است که کامیون‌های ترکیه از آنجا کالاها، تولیدات و مواد خوراکی را به منطقه سرازیر می کنند. تجربه نشان داده است در صورت هر گونه بحران، ترک‌ها، کردها را به بستن مرز تهدید کرده‌اند (حافظ نیا، ۱۳۸۵). با توجه به نکات فوق باید خاطر نشان ساخت که محور نگاه ترکیه به دولت کنونی عراق، جلوگیری از احیاء مقوله فدرالیسم و تشکیل دولت کرد در شمال عراق با ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی است. ترکیه خواهان آن است که در دولت جدید عراق، کردها تسلط مستقیم بر کرکوک و موصل نداشته باشند. (عبد اله پور، ۱۳۹۰) در واقع ترکیه با یک دیدگاه متناقض نسبت به دولت عراق مواجه است، زیرا از یکسو خواهان استقرار دولتی ضعیف در بغداد است که حاکمیتی نیرومند در شمال عراق نداشته باشد که مانع مداخلات و تجاوزهای ترکیه در این منطقه نشود و از سوی دیگر، استقرار دولتی ضعیف در بغداد را عاملی برای تقویت کردهای شمال عراق می داند. به عبارت دیگر، این کشور در پی استقرار دولتی در بغداد است که در برابر مداخلات ترکیه فاقد قدرت مانور در برابر تمایلات واگرایانه کردها، دارای قدرت برخورد و تحرک باشد.

سیاست‌های سوریه در قبال کردستان عراق

اکثر تحلیلگران سیاسی بر این عقیده اند که سوریه را باید اصلی ترین بازنده جنگ عراق دانست. سرنگونی رژیم صدام و استقرار نیروهای آمریکائی در مرزهای مشترک عراق و سوریه و تحولات جدید عراق از جمله طرح فدرالیسم با توجه به اقلیت کرد در سوریه امنیت این کشور را با خطر جدی مواجه ساخته است (مظاهری، ۱۳، ۸۳). جمعیت کردها در سوریه بالغ بر دو میلیون نفر است که بیشتر در استان های قامشلی و حسکه که هم مرز کردستان عراق هستند، زندگی می کنند. این جمعیت عظیم همواره در تضاد با منافع اقلیت حاکم بر سوریه بوده است؛ از همین روست که این کشور به کردهای سوری تابعیت سوری نداده و آنان را تحت کنترل شدید قرار می دهد. سیاست رسمی سوریه در جهت محو کامل هویت و حقوق کردها از اوایل دهه ۱۹۷۰ به اجراء گذاشته شد (25, 1998, MC dowall). سوریه با مساله فدرالیسم در عراق نیز همپای ترکیه به شدت مخالف است. این مساله موجب شد تا بشار اسد در سال ۲۰۰۳ یک سفر شتابزده به آنکارا انجام دهد. هر دو کشور این مساله را مقدمه تقویت هویت سیاسی کردهای عراق و در مرحله بعد تشکیل دولت مستقل کرد تلقی کنند. مساله فدرالیسم در عراق بلافاصله در سوریه بازتاب پیدا کرد و کردهای این کشور نیز خواستار احیای حقوق خود شدند (همشهری، ۲۵ اسفند ۱۳۸۲). در پی تظاهرات اعتراض آمیز کردهای سوری در ورزشگاه شهر قامشلی در مارس ۲۰۰۳ که از شمال سوریه شروع شد و به دمشق کشیده شد، پانزده نفر کشته، بسیاری زخمی و ۲۵۰۰ به زندان انداخته شدند (2, 51, 2005, gali & yildiez). به اعتقاد مقامات سوری، شورش‌های کردهای این کشور در مارس ۲۰۰۴ نیز (که به شدت بوسیله دولت سوریه سرکوب شد) تحت تاثیر مستقیم تحولات کردستان بوده است (نشریه سازمان سرمایه گذاری و کمکهای فنی و اقتصادی ایران، شماره ۴۸۵، ۴) به طور کلی سوریه هویت کردها را نفی و سیاست عربیزه کردن سرزمین آنها را اجرا و از دادن حق شهروندی و مالکیت به آنان امتناع ورزیده است (7, 2005, galie & yildiz).

علاوه بر این کشورهای عرب و نویسندگان آنها نیز از در نزدیکی ناخواسته کردها به اسرائیل نقشی بازی می کنند چنان که عونى فرسخ، نویسنده فلسطینی مقیم امریکا در مقاله ای با عنوان آیا کردستان عراق اسرائیل دوم خواهد شد (القدس العربی، ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۴) گفتمان نزدیکی این دو مولفه را شناور ساخت.

سیاست های ایران در قبال کردستان عراق

از بین کشورهای همسایه کردستان، ج.ا.ایران با مساله کردستان مشکلات کمتر داشته است؛ چرا که کردها اساساً خود را آریایی و مفتخر به قرابت نژادی با فارسها هستند (احمدی، ۷۹، ۸۵).

لیکن ایران پس از جنگ دوم جهانی، تجربه هایی ناخوشایند از مساله کردستان را در حافظه دارد و همواره از کنش های بیگانگان در مناطق کردنشین منطقه نگران بوده است. حجم و عمق این تآثر ناشی از نیت متفاوت و بعضاً متعارض است که قدرت های خارجی پیگیری می کنند (سریع القلم، ۱۳۷۶، ۱۵۸).

احزاب اصلی کردهای عراق با حکومت ایران (سابق و امروز) رابطه ای مبهم و دوگانه داشته اند. به حکومت ها اعتماد نداشتند و در دوره هایی با یکدیگر دشمن می شدند. برای مثال، کردهای عراق در زمان قیام بارزانی در ۱۹۷۵-۱۹۷۴ به کمک ایران متکی بودند که پس از آنکه شاه از حمایت از کردها در آستانه توافق با صدام بر سر اختلاف در مرز مشترک شط العرب دست کشید، این وابستگی به هم خورد. دوباره در دهه ۱۹۸۰، در زمان جنگ ایران و عراق، احزاب کرد به قیام متوسل شدند تا با فرصتی رژیم عراق را برای بهتر کردن روابط خود با کردها تحت فشار قرار دهند که در نهایت صدام شورش آنها را در شمال عراق سرکوب کرد. زمانی که شانس موفقیت آنها پائین آمد و بر اثر مواجهه با مبارزه ضد شورش صدام و همچنین بر اثر حملات شیمیایی دچار آوارگی و نابودی بیشتر روستاها و شهرهایشان شدند و هزاران کرد به دار آویخته شدند، آنها دوباره به طرف ایران روی آوردند (CGI, see Human Right watch, 2004). ایران نیز به خاطر منافع استراتژیک از کردها حمایت کرد - از شورشیان کرد در اواسط دهه ۱۹۷۰ پشتیبانی مالی کرد - تا از آنها به عنوان اهرم فشار علیه بغداد بر سر سازش در مورد شط العرب استفاده کند و آنها را وارد یک عملیات مشترک نظامی در منطقه حلبچه در مارس ۱۹۸۸ کرد تا از فشار عراق در جبهه جنوبی بکاهد. اکنون در عراق پس از صدام، رابطه دو گانه کردها با ایران و نیز حکومت عراق (که در آن رهبران کرد پست های مهم دارند) ادامه دارد. رهبران کردها بر این باورند که به وجود آمدن فرصتی طلائی و بی نظیر برای بدست آوردن خودمختاری و استقلال در شمال عراق نه تنها موجب شده با مقاومت سختی از سوی بغداد مواجه شوند بلکه نگران این نیز هستند که ایران در پی سنگ اندازی بر سر راه تحقق آرمان های کردهاست (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۸۸: ۵۲). مقام های حزب دموکرات کردستان و حزب میهنی کردستان بارها بر ضرورت حفظ روابط خوب خود با تهران تأکید کرده اند و از کمک های ایران به کردها پس از حملات شیمیایی صدام به حلبچه در مارس ۱۹۸۸ و نیز پس از سرکوب شورش کردها در آوریل ۱۹۹۱ قدردانی کرده اند (گفتگوی گروه بحران، تهران، ۲ اکتبر ۲۰۰۴). یکی از مقام های حزب اتحادیه میهنی کردستان گفت: "ما نه می توانیم ایران را نادیده بگیریم و نه می توانیم با آنها دشمنی کنیم. در گذشته زمانی که همه علیه ما بودند آنها به ما کمک کرده اند. ما نمی خواهیم هیچ مشکلی با ایران داشته باشیم CGI, 2 (November 2004). از سوی دیگر، آنها نشان دادند که نیت خوب ایران نسبت به کردها را درک

کرده‌اند که بر اساس انتظاری است مبنی بر اینکه کردهای عراق برای استقلال خود فشار نیاورند و هم‌تایان کرد خود در ایران را برای فشار جهت استقلال بیشتر تحریک نکنند (CGI, October, 2004). ایران در اوایل دهه ۱۹۹۰ بخشی از ائتلاف تاکتیکی سوریه و ترکیه بود تا وجود کردهای حامی ایالات متحده در شمال عراق را مهار کنند و روابط نزدیک کردها با آمریکا را بر هم بزنند. ایران در عین حفظ منافع استراتژیک در شمال عراق به کردها خاطر نشان می‌سازد که از چه چیز می‌توانند دفاع کنند و در این راه از اهرم‌های زیادی استفاده کرده است. از یک طرف، روابط اقتصادی خود را با کردها گسترش می‌دهد و از سوی دیگر، عملیات اطلاعاتی خود را به اجرا درآورده و به شکلی از شورشیان اسلام‌گرا همچون انصارالاسلام حمایت می‌کند (سخنگوی دولت منطقه ای کردستان ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۷). باری ایران، همسو با کشورهای همسایه، موضعی غیر دوستانه را با کردهای عراق اتخاذ کرده به طوری که می‌توان به اظهارات سفیر ایران در ترکیه در آوریل ۲۰۰۶ در خصوص هشدار نسبت به تشکیل کردستان بزرگ اشاره کرد (BBC, 28 Feb, 2006).

تجارت مرزی از زمان سقوط رژیم بعث رونق گرفته است و سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان در شمال عراق به ویژه در منطقه سلیمانیه در حال گسترش است گفته می‌شود قراردادهای ساخت و ارتباطات با شرکت‌های خصوصی ایران منعقد می‌شود به طوری که منطقه آزاد کیش با کردستان عراق جهت مبادلات دو جانبه تفاهمنامه همکاری امضاء کرده است (New agency irna, 30, April 2007). کردهای عراق همچنین به واردات گاز ایران وابسته‌اند (saber, 10 may, 2002). رهبران کردها از این سرمایه‌گذاری استقبال کرده‌اند و این توسعه و پیشرفت در شمال عراق را تشویق می‌کنند ولی اظهار نگرانی کرده‌اند که نهادهای اطلاعاتی ایران به طور معمول در افراد ایرانی که در این زمینه قرارداد می‌بندند نفوذ دارند. همان‌طور که یکی از تحلیل‌گران نیز معتقد است در طول مدتی که اتحادیه میهنی و حزب دموکرات، کردستان عراق را تحت قواعد منطقه پرواز ممنوع اداره می‌کردند، ایران همواره به عنوان بازیگری مثبت در سیاست‌های کردهای عراق مطرح بود (لیدیا خلیل، ۲۰۰۷). گرچه ایالات متحده در تلاش برای کاهش نفوذ ایران در عراق، تضعیف روابط ایران با کردها را در دستور کار خود قرار داده و در ژانویه ۲۰۰۷ پنج کارمند ایرانی را ربود؛ اما مقامات رسمی کرد نیز نسبت به بازداشت نیروهای ایران بوسیله آمریکایی‌ها اعتراض کرده و آن را غیر قانونی اعلام کردند (James glanz, 2007). در پایان باید اشاره شود، ایران به شدت از روابط کردها و اسرائیل نگران است زیرا می‌داند روابط قوی میان کردها و اسرائیل، بر منافع آن در منطقه و حتی جهان به شدت تأثیر می‌گذارد (bazyan, 2010).

منافع کشورهای منطقه در تعارض با کشور کردی

جنبش ملی کرد در سطح کلان خود عواملی پر قدرت را در بر می گیرد. یکی از این عوامل آن است که کردستان، قسمتی از موجودیت دولت - ملت در ایران، عراق و ترکیه است. خلق و ایجاد هویت کردی خودمختار در هر یک از قسمت‌های کردستان تهدیدی بر وحدت سرزمینی هر یک از کشورهای همسایه کردها است (Vanly, 1980, pp.193-203). در طول قرن بیستم و در کشورهای همسایه کردستان که جمعیت کردها را در بر می گیرند تنها عراق بود که کردها را به رسمیت شناخت و در سال ۱۹۷۴ به آنها نوعی خود مختاری اعطا کرد که البته این خودمختاری در نواحی کردستان به غیر از مناطق ثروتمند نفتی کردنشین کرکوک و خانقین بود (ghreeb, 1981). ایران اجازه تدریس به زبان کردی را در مدارس و استفاده از آن را در ادارات دولتی در استان‌های کردنشین داده است ولی ترکیه به طور کلی موجودیت قومیتی کردها را انکار و آنها را ترک‌های کوهی می نامد (dogan, 2003). در این راستا، کشورهای همسایه کردستان عراق برای پیشگیری از اندیشه‌های جدایی طلبی به داخل منطقه کردنشین خود همواره بر وحدت عراق تاکید و با تاسیس کردستان مستقل مخالفت ورزیده‌اند (اتول، ۲۰۰۶، کمپ و هارکاو، ۱۴۱). از سویی کشورهای همسایه هر از چند گاهی، همدیگر را به حفظ مواضع مشترک در قبال تحولات و خطرات ناشی از آن توصیه می کنند (B C, 4 April 2006). در این راستا، نشست‌های متعدد بین ۳ کشور ایران، ترکیه و سوریه برای کنترل و مدیریت بحران کردستان عراق برگزار شد (مهری پور، ۱۳۸۱، ۵۷). تشکیل دولت کرد در شمال عراق حتی به صورت عضوی از عراق فدرال و با درجه ای بالا از خود مختاری از نظر کشورهای منطقه بهیچ وجه قابل قبول نیست؛ زیرا این امر به دلایل زیر به شدت به موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه، ایران و سوریه آسیب وارد می سازد و نگرانی سایر کشورهای عرب منطقه را بر می انگیزد.

- ۱- ترکیه، سردمدار مخالفان با ایده دولت کردی، معتقد است تشکیل چنین دولتی را، مقدمه‌ای برای تجزیه مناطق وسیع و پر جمعیت کردنشین خود می داند و آن را برای ترک‌ها خط قرمز امنیتی می خواند؛
- ۲- تشکیل چنین دولتی می تواند باعث شکاف هر چه بیشتر بین سنی و شیعه در این سه کشور شود؛
- ۳- تشکیل دولت کردی در شمال عراق و تسلط ایشان بر منافع نفتی می تواند باعث کاهش توان کشورهای نفت خیز منطقه در استفاده از نفت به عنوان یک ابزار استراتژیک شود.

۴- احتمالاً دولت کردی شمال عراق به علت فقدان دلبستگی‌های قومی یا عقیدتی و عدم ارتباط منظم با نهضت فلسطین، مخالفتی چندان گسترده با اسرائیل نخواهد داشت و حتی احتمال اینکه همکاری‌هایی با این رژیم داشته باشد غیرقابل تصور نیست.

۵- اگر تشکیل دولت کردی در عراق باعث ایجاد منطقه مستقل و حتی خودمختار در مناطق کردنشین ترکیه شود؛ این امر باعث تشکیل منطقه حائل میان ترکیه با کشورهای ترک تبار قفقاز و آسیای میانه شده و نهایتاً سبب تضعیف سیاست‌های پان ترکیستی‌های ترکیه خواهد شد.

تاثیر تشکیل دولت کرد شمال عراق بر منافع اسرائیل

اسرائیل طی نیم قرن گذشته به عنوان مسبب اصلی بحران خاورمیانه، همواره در حدی از انزوا و فرو بستگی محیط امنیتی پیرامونی قرار داشته است. بنابراین، تحت این شرایط و به منظور راز از شرایط ناخوشایند مزبور، سعی در ایجاد روابطی راهبردی با کشورهای غیرعرب منطقه داشته است (خطیب زاده، ۱۳۸۱، ۴۰۷). بن گوریون، نخستین رئیس جمهور اسرائیل در سال ۱۹۴۸، به منظور تامین امنیت اسرائیل، استراتژی اتحاد پیرامونی را مطرح کرد (podeh, 1997) که باید بر پایه ارکان نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و دیپلماسی استوار باشد تا اسرائیل با یافتن دوستانی از کشورهای غیرعرب، ضمن افزایش توان نظامی و اطلاعاتی خود در قالب اتحادها به گسترش روابط سیاسی و دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای پیرامونی اقدام کند (آبامان، ۱۳۵۱، ۶۹۸). موقعیت کردستان عراق به عنوان منطقه ای مهم از خاورمیانه ی مزوپوتامیایی و با حاکمیت دو فاکتو یا دوژوور، نه تنها تهدیدی برای اسرائیل نیست بلکه فضای تنفس استراتژیک آن را در منطقه بالا می برد (عبداله پور، پیشین). از سویی اسرائیل از طریق کنترل دولت کردی برای اعمال فشار بر ایران و ترکیه قدرت چانه زنی خود را بالا خواهد برد زیرا اسرائیل خواهد توانست مساله جدایی خواهی قومی را تبدیل به یکی از اصلی ترین نگرانیهای امنیتی ایران و ترکیه کند و از طرف دیگر، قدرت چانه زنی اعراب با اسرائیل به علت تشکیل یک کشور غیرعرب در خاورمیانه که مشکلات تاریخی با اعراب داشته و پتانسیل رابطه خوب با اسرائیل را دارد، کم خواهد شد (شیخ عطار، ۱۳۸۲، ۳۶۴).

یکی از اهداف امنیتی اسرائیل در کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل کرد، ایجاد اهرم بازدارنده در مقابل ایران است؛ زیرا به زعم اسرائیلی ها ایران همواره از حزب اله لبنان به عنوان اهرم فشار علیه اسرائیل استفاده کرده است. اسرائیل درصدد است با تشکیل گروه‌های شبه نظامی از میان اکراد، اهرم فشاری همانند حزب اله در منطقه علیه ایران ایجاد کند (خسروی، ۸۳، ۶۰).

بر اساس ارتباطات و کمک‌های اسرائیلی‌ها در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به بارزانی بزرگ در جنگ با ارتش عراق و راهنمایی‌های آنان به کردها در میادین جنگ در کردستان، اسرائیلی‌ها به دنبال ایجاد یک دولت و هم پیمان خوب در آینده سیاسی منطقه هستند. از سوی دیگر به واسطه استمرار دیدگاه‌های کردی و رویکردهای آنان، اسرائیلی‌ها حمایت از کردها برای حل و فصل مسائلشان را به نفع اسرائیل دانسته و استقرار نظامی فدرال در عراق یا ایجاد کشوری مستقل برای کردها در کردستان عراق را پیشنهاد می‌کند. این رویکرد اسرائیلی با استدلال ایجاد تعادل ژئوپلیتیک بهتر و به نفع اسرائیل در شمال خاورمیانه است (محمدی، ۱۳۸۳). هدف اسرائیل از تعقیب این سیاست پیدایش کانون جدید بحران در منطقه است (پورحسن، ۱۳۸۱، ۲۵). از سوی اسرائیلی‌ها با تشکیل حکومت مستقل کرد به دنبال آن هستند تا زنجیره میان شیعیان را که از پاکستان تا لبنان امتداد دارد، قطع کنند.

نتیجه

از زمان تاسیس کشور مستقل عراق تاکنون هیچگاه نقش و تاثیر کردها در شکل دهی به نظام سیاسی عراق چون امروز نبوده است. ارزیابی واقع بینانه چنین نقش و کارکردی جزء در پرتو فرصت‌های بی بدیل ایجاد شده از سوی ساختار نظام بین الملل تبیین ناپذیر است. بدین لحاظ در شناسایی بسترهای تاثیرگذاری کردها در عراق، نقش مسلط و هژمونیک ایالات متحده آمریکا و متحد منطقه ای این کشور یعنی اسرائیل در این روند غیرقابل انکار و علی رغم ابراز ناخرسندی از سوی ۳ کشور ترکیه، سوریه و ایران، ناسیونالیسم کردی در طول سالیان بعد از اشغال با ورود از حاشیه به متن سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، سهمی قابل توجه را در میان نیروهای داخلی در شکل دهی به نظام سیاسی عراق ایفاء کرده است. به رسمیت شناخته شدن زبان کردی همپا و هم وزن با زبان عربی، اخذ امتیازات فزاینده و توقف روند تعریب می‌تواند حکومت منطقه ای کردستان را در موضعی مناسب برای طرح‌های خود قرار داده و قدرت چانه زنی آن را با کشورهای ترکیه، سوریه و ایران افزایش دهد.

اسرائیلی‌ها و کردها غالباً دشمنانی مشترک دارند و این دلیلی خوب برای اتحاد بین آنهاست. برای اسرائیل، کردها سپر و ضربه‌گیری عمده علیه اعراب و جهان اسلام خواهند بود و برای کردها اتحاد قوی با اسرائیل علاوه بر این که نیازهای نظامی آن را تامین می‌کند راهی عمده برای نزدیکی آنها به واشینگتن خواهد بود. در پایان، قابل ذکر است که کردستان عراق علاوه بر اینکه دارای ژئوپلیتیک آسیب پذیر است در حوزه کشش و رانش ۳ حوزه فرهنگی و تمدنی، ایرانی، عرب و ترک قرار دارد. بعد از اشغال عراق و تحت فشار حوزه‌های

مزبور، دولت کردستان عراق به ناچار تحت تأثیر گونه ای تعبد ژئوپلیتیک به سوی اسرائیل کشیده شد که نفعی دو سویه برای آنها در پی دارد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. کمپ، هارکاو، رابرت، (۱۳۸۳)، *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*، جلد دوم، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، *ایده های ژئوپلیتیک و واقعیت های ایرانی*، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۳. کاویانی، مراد، (۱۳۸۶) *سیاست دفاعی، موسسه اندیشه سازان نور، تحلیل ژئوپلیتیک تحولات کردستان عراق*
۴. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
۵. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، *تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای سرمایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۳.
۶. صلاح الخرسان، (۱۳۸۱)، *حزب دموکرات کردستان عراق*، ترجمه سمیر شوهانی، راه، شماره سوم، تابستان.
۷. روحی، نبی اله، " (۱۳۸۵)، *سیاست خاورمیانه ای رژیم صهیونیستی و کردستان عراق*، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۵۶-۵۷، پائیز و زمستان.
۸. لیدیا خلیل، *دست های پنهان در شورش های گروه انصار السلام*، terrorism monitors، سال پنجم، شماره ۱۱، ۲۰۰۷ در سایت اینترنتی www.jamestown.org/terrorism/nes/upload/tm-005-011.pdf
۹. مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۲)، حسین دهشیار و دیگران، *کردستان عراق و چشم انداز آینده و مسائل ایران و عراق*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
۱۰. شیخ عطار، علیرضا، (۱۳۸۲)، *سیاست خارجی قدرتهای بزرگ در کردستان عراق*، تهران مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت سیاست خارجی،
۱۱. *نداء القدس*، راند فوزی حمود، سال هشتم، شماره ۹۸، ۸۶/۲/۱
۱۲. خطیب زاده، سعید، (۱۳۸۱)، *(ترکیه و اسرائیل) در تلاش برای یافتن چارچوب جدید امنیتی - سیاسی*، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، ص ۴۰۷
۱۳. *آبا امان، قوم من*، ترجمه نعمت اله شکیب اصفهانی، تهران، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۱
۱۴. *سریع القلم*، محمود، (۱۳۷۶)، *نظام بین الملل و مساله صحرای عربی*، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۱۵. احمدی، حمید، (۱۳۷۹)، *قومیت و قوم گرایی*، از افسانه تا واقعیت، تهران، نشر نی،
۱۶. *همشهری دیپلماتیک*، محمد مهدی مظاهری، شماره ۳۱، ۷ آذر ۱۳۸۳ صفحه ۱۳
۱۷. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، *تأثیر ژئوپلیتیک عراق بر امنیت کشورهای پیرامونی*، گفتگوی علمی، گزارش پژوهشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۸. نبی اله روحی (۱۳۸۵) *"سیاست خاورمیانه ای رژیم صهیونیستی و کردستان عراق"* فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۵۶-۵۷
۱۹. *"مراد ویسی، مسائل ایران و عراق، (عراق پس از صدام)*، چاپ اول (انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲
۲۰. *"علیرضا شیخ عطار - تهران مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت سیاست خارجی، ۱۳۸۲*

۲۱. (محیط آینده امنیتی خاورمیانه)، نشریه سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران، شماره ۴۸ (تیر ماه ۱۳۸۳)
۲۲. مهری پور، ذبیح اله، ۱۳۸۱، کردستان عراق و سیاست های جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رافه، شماره ۳.
۲۳. عبدالله پور، محمد رضا و زیباکلام، صادق، (۱۳۸۸) همگرایی کردها و شیعیان و تاثیر آن بر سیاستگذاریهای امنیتی ج.ا.ایران در عراق، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۲۴. "راوه، فصل نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شماره سوم، تابستان ۸۱
۲۵. بخش‌هایی از مصاحبه نشریه الشرق الوسط با دکتر محمود عثمان. July 18, 2007.
۲۶. عبد اله پور، محمد رضا، (۱۳۸۹)، کردستان عراق از سرکوب تا حکومت دو فاکتو، فصلنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی دانشگاه تهران، روژف، شماره ۱۵-۱۴
۲۷. فاتح محمود، ۱۳۷۹، "چالش میان کردهای عراق" فصلنامه نهضت، تهران، سال اول، شماره ۱
۲۸. علیرضا خسروی ومهدی میر محمدی، (۱۳۸۳)، بررسی اهداف، برنامه ها و زمینه های حضور اسرائیل در عراق پس از صدام" کتاب خاورمیانه ۳، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران،
۲۹. پور حسن، ناصر، (۱۳۸۱)، روابط عراق و اسرائیل، چالش های پیش روی ایران، ناصر پور حسن، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۱۶
۳۰. عبد اله پور، محمد رضا، (۱۳۹۰)، تعارض ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در میدانهای منطقه ای، فصلنامه سیاست و اندیشه، دانشگاه پیام نور واحد تهران

ب. خارجی:

1. Mc dowall, david (1998), **the Kurds of Syria** :London :khrp(Kurdish human right project).
2. olson, Robert (1996): **the Kurdish nationalist movement in the 1990**: USA. The University of Kentucky.
3. stansfield, garth (2005), **makeup or breakup . posted on kurdish media & Kurdistan observer**, 7, march , 2005.
4. **bbc.(4 April , 28 Feb. 2006)** . Www .bbc .co .UK /Persian /news/ story/ 2006.
5. galie, ales sander & yildies ,karim(2005) . **Development in Syria** . a gender & minority perspective : great Britain :Kurdish human right project (khrp).
6. Ciment ,James (1996): **the Kurds : state and minority in turkey ,Iraq and Iran** .USA- new York publisher :facts on file ,1996.
7. Stansfield ,garth r.v 2003 :**Iraqi Kurdistan : political development and emergency democracy** :London :routlge curzen.
8. peter church , **the Kurds have no friends except mountain** , weekly standard , 05/31/2006.
9. (dogan ,e,(2003) **Kurds wait for Turkish sea change** ,bbc .news available at : http ://news .bbc .co .uk .
10. ghreeb, E , 1981) **the Kurdish question in Iraq** , Syracuse NY : Syracuse university Press.
11. Vanly .I.C.(1980)**Kurdistan in Iraq** , in G . ghaliand (ed.) . **people without country :the Kurds and Kurdistan** ,pp .193-203 ,Northampton ,MA: Interlink Publishing Group.
12. michel M Günter &M Hakan yavuz (2005) "**the continuing crisis in Iraqi Kurdistan , middle east policy** , Washington (Spring 2005,vol.12 ,issue 1 , 122-133[database on – line] ,available from pro quest , accessed 17 November 2005.
13. http://www.nytimes.com/2007/01/12/world/middleeast/12raid.html 14 -**James glanz** , g.i in Iraq raid Iranian offices , new York times , January ,12, 2007. ۱۴
14. saberi ,Roxana : **Iraqi Kurds split between Iran's & us** , <http://news.bbc.co.uk/middleeast> . 10 may 2002.
15. New agency irna.www. irna.ir , 30 April 2007.
16. **Crisis Group Interview**, October – November 2004, Tehran and Iraqi Kurdistan .
17. **Crisis Group Interview**, Baghdad, 6 October 2004,shokat bamarni, head of KDP office in Tehran .

18. peter church ,(2006) **the Kurds have no friends except mountain** , weekly standard , 05/31/2006.
19. See dilip hiro,(1998) , **dictionary of the middle east** .policy studies organization , pp170-1,252-3.
20. **(The Kurdish quest for autonomy and Iraq's statehood**, Alexander dawoody, university of Texas, USA, Journal of Asian & African studies, 2006 ,485.
21. Robert Olson ,**turkey and Kurdistan – Iraq** .(2003). (The Kurds in Iraq) , middle east policy spring 2004 . vol .11 no 1 .pp.115 – 120.
22. Smith, AD ,(1989) , Nation: old & new : comments on Anthony d.smith **the myth of the modern nation & myths of nations** " ethnics & racial studies, 12 ,July 1989:3320.
23. KDP: **Kurds don't want an independent state** (و). (۲۰۰۲) 24- Muslimovic ,kan.www.Kurdish media.com.
24. **(Kurdish independence conference in Kurdistan**, November (2005) , salaheddin university & university of sulaimani : Kurdistan) Date published : Friday , January 06, 2006.
25. podeh, elie ,(1997) :**rethinking Israel in middle east in middle east** : Israel affairs , vol .3 , spring / summer.
26. hawar bazyan , Wednesday ,23 June 2010 , **Kurdistan state is behind Israel support**, <http://www.israelkurd.com/en/index.php?option=content&view=article&id=100:kak-hawar&catid=46:articles>.
27. barkey, HJ & laipson ,E , 2005 , **Iraqi Kurdistan & Iraq's future** , middle ast policy vol.12 , no .4 ,pp 66-76.
28. Alexander d davoody , (2005)**federalism and the Kurdish quest for self – rule in Iraq** : Examining the Kurdish political parties , paper presented at the middle east association 39th annual meeting , Washington D.C ., 19-22 November 2005 , 12- 16.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"حاکمیت قاجارها، امیرکبیر و اصلاحات"، سال ۷۹، شماره ۵۰؛ "بازنگری اقتصاد، سیاست و جامعه ایران در آستانه قرن نوزدهم"، سال ۸۰، شماره ۵۲؛ "آسیب شناسی ظهور و کارکرد نخستین جراید تشکیلاتی ایران در دهه اول مشروطیت"، سال ۸۸، شماره ۲؛ "بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق"، سال ۸۸، شماره ۴؛ "بررسی تطبیقی انگاره‌های انسان‌شناسانه در ادبیات و تاثیر آن بر فرهنگ سیاسی (مورد فرانسه و انگلستان قرن ۱۹)"، سال ۸۹، شماره ۳. "مجمع تشخیص - مصلحت نظام؛ نتیجه‌ی عقلانیت حاکم بر سیره‌ی امام خمینی(ره)"، شماره ۲، تابستان ۹۰.